



نشریه توانبخشی

بچه‌های آسمان

ماهنامه • اجتماعی فرهنگی • سال دوم • شماره ۱۴
• بهمن ۱۳۹۹ • قیمت ۲۰ هزار تومان

عشق و مهرورزی در سایه مهر مادری





بچه‌های آسمان
موسسه خیریه
نگهداری و توانبخشی
معلولین بی‌سرپرست
www.bachehayeasman.org

عشق و مهر روزی در سایه مهر مادری

سخت قابل تقدیر است. این روز بهانه ای ایست برای سپاس از مادرانی دلسوز که با مهر روزی، مهر و عشق مادری را به کودکان معلول بی سرپرست هدیه کرده اند.

دکتر شکیبی در ادامه گفت: خدا را شاکریم که در کنار شما به محروم ترین بندگان خدا خدمت می کنیم.

بچه های معلول و بی سرپرست آسایشگاه های بچه های آسمان اگر چه از نعمت مادر محروم هستند اما بی شک با حضور و خدمت شما، این کودکان مادرانی دارند که جای خالی

به گزارش روابط عمومی موسسه خیریه بچه های آسمان به مناسبت میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز مادر، دکتر شکیبی مدیرعامل موسسه به همراه هیات امناء از پرسنل مادر یار آسایشگاه های بچه های آسمان با اهدای گل تقدیر نمودند.

دکتر شکیبی ضمن تبریک ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) به کادر مراقبت به ویژه مادر یاران آسایشگاه های بچه های آسمان گفت:

حضور شبانه روزی و زحمات مادر یاران در این روزهای



سال دوم
شماره چهاردهم
بهمن ۹۹

نشریه توانبخشی بچه های آسمان
رویکرد نشریه: اجتماعی - فرهنگی - توانبخشی

صاحب امتیاز:
موسسه خیریه بچه های آسمان کامران

مدیر مسئول:
احمد رضا نقابی

سردبیر:
احمد رضا نقابی

گرافیک و صفحه آرایی:
آتلیه طراحی بچه های آسمان

چاپ و نشر:
چاپخانه اسوه هنر

نشانی: قیصریه، بلوار اندرزگو، نیش
اشکستانپور شمالی، پلاک ۴۳، طبقه ۳،

واحد ۵ تلفن: ۰۲۱-۲۶۶۵۸۱۰۱

آدرس سایت:

www.bachehayaseman.org

اینستاگرام:

bachehayaseman_kamran

ایمیل:

info@bachehayaseman.org



در حرکتی زیبا گل ها توسط کودکان معلول تحت پوشش به مادر یاران اهدا گردید
موسسه خیریه بچه های آسمان در حال حاضر عهده دار بیش از ۴۰۰ معلول بی سرپرست و بیماران اعصاب و روان است که در سه آسایشگاه تهران، قشم و کرج مقیم می باشند.

مهر مادری را پر کرده اند. وی در ادامه گفت آرزو می کنیم هیچ کودکی در کشورمان بی سرپرست نماند و کودکان سرزمین مان در صلح و آرامش زندگی کنند. در حاشیه این دید و بازدید هیات امناء موسسه از پرسنل مادر یار و کادر درمان با اهدای گل و هدیه قدر دانی نمودند و



پیام مدیرعامل



سال گذشته همین موقع ها بود که زمزمه شیوع بیماری کرونا به گوش می رسید. یکسال گذشت و ما توانستیم با کمک شما نیکوکاران و نگاه مهربان خداوند به وظیفه خود عمل کنیم.

در این سامان سراسر جایی که بیش از ۴۰۰ معلولی بی سرپرست و بدسرپرست زندگی می کنند همیشه برایم چراهایی است که چرا سهم زندگی شان از زیستن این چنین بود و بدرستی بهتر زیستن کجاست؟ و اگر یاری شما نیکوکاران و خیرین و نگاه کریمانه خداوند نبود چه اتفاقی می افتاد.

هر بار که کودکی یا جوانی را می بینم، سالهای جوانی اش را بخاطر بیماری در این مرکز گذرانده و از من می پرسد که چرافت؟ چرانیمد؟ و چراهای بی شمار که بسیاری از آنها را نه قلم و نه قلم توان یادآوری ندارد. و دلم از یادآوری پاسخ به آن بیش از او می لرزد.

اینجا جایی است که چنانچه بخواهی با ابزاری شعاری و نه شعوری پیش بروی، اثر کارهایت بسیار زودتر از آنچه فکرش را میکردی از بین می رود؛ چراکه در این میان، رضای خدا و قصد قربت مطرح نبوده است. اینجا، در آسایشگاه های بچه های آسمان، همه به قصد قربت آمده اند و آزمایش شان باخت ندارد.

زندگی آهنگ های بسیار دارد و پرده های بی شماری باید به ضرب آهنگ آن بی برد و به رموز جاودانه اش دل سپرد. نشانه ها، چشم به راهند برای گام نهادن در راه و گریختن از بیراه. بی تفاوت از کنار همه ی دلشوره ها، بیم ها و تردیدها پیش میرویم. اینک این مائیم، خادمان بندگانی از جنس خدا پس به قصد قربت پامی گذاریم در اقلیمشان که آشناست برایمان و زمزمه میکنیم.

دلگرمیم به لطف و کرم خدا و یاری شما نیکوکاران

فواید کتاب خواندن در نوجوانان

(رجاع‌الدین - کارشناس روانشناسی)

کتاب خواندن باعث بالارفتن سطح فکر و فعال شدن ذهن نوجوانان میشود. و به آنها کمک میکند تا ذهنشان برای فراگیری فعال تر شود.



هستند و آموخته های این دوران مقدمه ای برای آینده آنها می باشد کتاب خواندن برای نوجوانان چون چراغی مسیر زندگی آنها را روشن می کند و به رشد و شکوفایی آنها کمک می کند تا درک صحیحی از مسائل داشته باشند.



بسیاری از دانشمندان و روان شناسان معتقدند که اساس و زیر بنای شخصیت انسان در سال های اول زندگی پایه گذاری می شود و آموخته های این دوران تأثیر عمیقی بر آیندهی زندگی فرد دارد. بنابراین اگر از همان کودکی کتاب خواندن را سرگرمی اول کودکانمان کنیم و مطالب خواندنی مفیدی را در اختیار آنها قرار دهیم، می بینیم که در نوجوانی به کتاب خواندن عادت می کنند. نوجوانان از طریق کتاب خواندن راه و رسم زندگی را خواهند آموخت و تحت تأثیر کتاب های آموزنده قرار خواهند گرفت و همین باعث می شود که در آینده برای رشد و تعالی و حل مشکلات خود از کتاب کمک بگیرند. نوجوانان از همان ابتدا برای داشتن یک زندگی خوب و موفق نیازمند بینش و آگاهی

والدین فرزندانشان را به خواندن کتاب تشویق کنند، می بینند که میل به آموختن در آنها بیشتر می شود. بهتر است که والدین فضای کتابخوانی را در منزل ایجاد کنند.

فواید کتاب خواندن در نوجوانان :
۱- کسب علم و دانش: از آنجا که کتابها یک منبع غنی از اطلاعات هستند، نوجوانان با خواندن کتابهایی با موضوعات متنوع اطلاعات و دانششان افزایش می یابد.

۲- کتاب خواندن مغز نوجوانان را بهبود می بخشد: مطالعات نشان داده اند که خواندن کتاب های مفید، اثرات مثبت قوی بر مغز نوجوانان می گذارد. می دانیم که مغز یک عضله مانند دیگر عضلات بدن است، پس ورزش آن را قوی و سالم نگه می دارد. بنابراین خواندن کتاب ها یک راه عالی برای تمرین مغز نوجوانان است و مغز آنها را سالم نگه می دارد.

۳- کاهش استرس : خواندن کتاب، اثر مثبت بر بدن دارد و باعث از بین رفتن استرس نوجوانان می شود.

۴- واژگان جدید می آموزد : خواندن کتاب های متنوع واژگان و دستور زبان نوجوانان را بهبود می بخشد، همان طور که مطالعه می کنند، با کلمات جدید، اصطلاحات، عبارات و سبک نوشتن جدید آشنا می شوند.

۵- مهارت های نوشتن را بهبود می بخشد: خواندن یک کتاب خوب می تواند بر مهارت نویسندگی تأثیرگذار باشد. بسیاری از نویسندگان موفق تخصص خود را از طریق مطالعه کردن در سنین کودکی و نوجوانی به دست آورده اند.

باورهای درست و نادرست ویروس کرونا

این روزها با اوج گرفتن بیماری ویروسی کرونا متأسفانه شایعات نیز مزید بر علت شده تا در مردم باورهای نادرست شایع شود. مطالب بدون آن که منبع درستی داشته باشند در فضای مجازی دست به دست می شوند. انواع داروها که بواسطه تبلیغ ها و شایعات توسط مردم خریداری گردید و متأسفانه مصرف شد.

اما انتقال این ویروس به گفته کارشناسان از طریق کفش ها بسیار کم می باشد.

توصیه می گردد از پاپوش کفش استفاده شود.

آیا در هنگام ورزش می توانیم از ماسک استفاده نماییم؟

به هیچ وجه نباید در هنگام ورزش از ماسک استفاده نمود.

استفاده از ماسک تنفس را مشکل نموده باعث مرطوب شدن ماسک می گردد که این امر موجب جذب بیشتر آلودگی ها به ماسک می شود و توصیه می گردد ورزش ها انفرادی و یا با فاصله فیزیکی مناسب ورزش نمایند

برای کسب اطلاعات صحیح فقط به منبع معتبر مراجعه نماییم و به شایعات و به اطلاعات مندرج در منابع غیر معتبر توجه نکنیم.

منبع:

World Health Organization



کودک آزاری

(صدیقه ارجمند کارشناس مددکار اجتماعی)

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی هرگونه آسیب جسمی، روحی، روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر ۱۸ سال که توسط افراد دیگر انجام شود و به صورت تصادفی نباشد کودک آزاری تلقی می‌شود.

همانطور که در مبحث قبلی عنوان شد خانواده از اصلی ترین عوامل مؤثر بر جامعه است و هیچ جامعه‌ای سالم نخواهد بود مگر آن که از خانواده‌های سالم برخوردار باشد و خانواده بخش مهمی از سرنوشت انسان را تعیین می‌کند. یکی از مواردی که در خانواده‌ها باعث آسیب زدن به فرزندان می‌شود، بحث کودک‌آزاری و رفتارهایی است که سلامت جسم، روان، سعادت و رفاه کودک را تهدید می‌نماید.

در واقع کودک آزاری نوع خشونت خانگی است که تحت عنوان جرایم خشونت آمیز طبقه‌بندی می‌شود. این نوع جرم به معنای آسیب و صدمه زدن به کودکان در محیطی است که باید از آن انتظار گرمی، تقویت، حمایت، ایمان و عشق داشته باشند. کودکان از آسیب پذیرترین گروه‌های جامعه هستند و خطر تعرض افراد گوناگون در خانواده یا اجتماع همواره آنان را تهدید می‌کند.

باید توجه داشت که خشونت علیه کودکان و موارد نقض حقوق کودک پدیده‌ای ساختاری است و به جایگاه کودکان و روابط آنان با خانواده و نهادهای عمومی جامعه و قوانین و باورها و سنت

های تربیتی و فرهنگی جامعه و تغییرات آن مرتبط است. در واقع خشونت با کودک، شکلی از روابط و مناسبات کودکان با بزرگسالان و نهادهای اجتماعی است که در آن به دلیل موقعیت ضعیف کودکان و بی‌پناهی آنان یا ارزش گذاری و متفاوت و نابرابر بین کودکان و بزرگسالان، قابلیت‌ها و حقوق و ارزش‌های کودکان به شکل‌های مختلفی از قبیل غفلت از کودکان و سوء رفتار با آنها پدید می‌آید. تأسف بارتر از این که والدین در اغلب موارد عامل اصلی کودک آزاری هستند و خشونت نیز در چارچوب نظام خانواده ناکارآمد رخ می‌دهد و تعادل مرضی ضعیف برای سرپوشی گذاشتن بر این پدیده معمولاً بین اعضای خانواده دیده می‌شود.

وقتی والدین سالم فرزندانشان را از رده می‌کنند به تدریج از کار خود پشیمان می‌شوند و سعی در جبران آن دارند، اما پدر و مادرهای سوء استفاده‌گر این رفتار خود را بر اساس کار اشتباه فرزند توجیه می‌کنند، این در حالی است که کودکان به دلیل شرایط جسمی و حساسیت روحی آسیب پذیرترین اقشار جامعه نسبت به جرایم خشونت آمیز می‌باشد.

می‌توان گفت از عوامل عمده شیوع این پدیده در جامعه‌ی امروزی عبارت است از عدم امکان آمارگیری از کودکانی که قربانی حادثه شده‌اند ولی به علت ترس از والدین یا ترس از بازجویی توسط مقامات قضایی و پلیس و امکان دستگیری والدین و ضعف در قدرت گفتار و عدم اطلاع از قانون حاضر به همکاری نیستند و دوم اینکه مرتکبین این اعمال برای فرار از مجازات و لعن و نفرین دیگران نه تنها موضوع را با آمارگیران در میان نمی‌گذارند، بلکه هنگام کشف اتفاقی این پدیده نیز سعی در مخفی کردن و گمراه ساختن یا دلیل تراشی برای بی‌تقصیر نشان دادن خود دارند.

انواع کودک آزاری

کودک آزاری به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود که رایج ترین آنها عبارتند:

فرزندکشی: عبارت است از سلب آزادی و ظالمانه حیات فرزند به وسیله پدر و مادر بالغ و عاقل. فرزندکشی از گذشته‌های دور در جوامع انسانی مرسوم بوده و اختصاص به دوران جاهلیت قبل از اسلام ندارد. این پدیده نابهنجار در عصر حاضر نیز رواج داشته و

از رشد فزاینده برخوردار است به طوری که در جوامع مختلف احتمال اینکه کودکان توسط اعضای خانواده خود به قتل برسند یا مورد حمله جنسی و آزار جسمی قرار بگیرند بسیار بیشتر از آن است که بیگانگان کودکان را در معرض این خطرات قرار دهند. بررسی موارد فرزندکشی نیز حاکی از آن بوده است که فقر، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، اختلالات روانی، عصبانیت، بارداری ناخواسته دختران جوان، اختلافات خانوادگی، انتقام جویی از همسر سابق، تضعیف نقش خانواده و اعتیاد والدین از عوامل فرزندکشی محسوب می‌شود.

قاچاق کودکان یا توریسیم جنسی: خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز و غیرمجاز افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا نیرنگ یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فردی افراد یاد شده به قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح بردگی و ازدواج و همچنین تحویل گرفتن یا انتقال یا مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده (قانون قاچاق انسان) پس از عبور از مرز یا همان مقصود.

در عصر حاضر قاچاق تبدیل به یک پدیده فراگیر شده و می‌توان گفت هیچ کشوری در دنیا یافت نمی‌شود که این از این بلیه در امان باشد اما در میان انواع قاچاق، قاچاق انسان به دلیل سود سرشار آن بسیار مورد نظر باندهای سازمان یافته قرار گرفته است و از قاچاق مواد مخدر سودآورتر می‌باشد، زیرا از مواد مخدر تنها یک مرتبه می‌توان استفاده کرد اما در قاچاق انسان

می‌توان از شخص قاچاق شده به دفعات متعدد استفاده کرد.

آزار جنسی یا خشونت جنسی: منظور از آزار جنسی کودک، وادار کردن کودک به فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. سوء استفاده جنسی، تماس یا تعامل بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به منظور تحریک جنسی مورد استفاده قرار داده است. این نوع خشونت به پیش علیه صدها هزار کودک در تمامی نقاط دنیا یک واقعیت تلخ می‌باشد که در طول تاریخ اغلب به عنوان تاکتیکی جنگی برای تخریب غرور و شرافت ملی به کار رفته و نه تنها فرد قربانی بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرار داده و اسباب تخریب فرهنگ و هویت آن را فراهم کرده است. این رفتار که اصطلاحی وسیعتر از تجاوز به عنف می‌باشد مصادیق گوناگونی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

به هر حال کودک آزاری جنسی چه به صورت دائم و چه فقط یک بار صورت گرفته باشد و خواه توسط نزدیکان یا توسط افراد بیگانه انجام شده باشد، معمولاً دارای ۵ ویژگی اصلی است:

* کودک عموماً آن را دوست ندارد.

* ارضای جنسی فرد آزار دهنده هدف اصلی آزار است.

* در این رابطه یک تفاوت سنی و قدرتی وجود دارد که به طوری مؤثری رضایت معنادار از رابطه را از بین می‌برد.

* فعالیت جنسی معمولاً به صورت پنهان و همراه با نقشه و توطئه

قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند است.

* گاهی اوقات کودک به خاطر نیاز شدید به حمایت فیزیکی و عاطفی و توجه به وابستگی خود شخصاً به پذیرش و شروع این رابطه و حفظ رابطه جنسی تمایل نشان می‌دهد. ازدواج اجباری: یکی دیگر از انواع خشونت‌ها علیه کودکان ازدواج اجباری دختران در سنین پایین است که معمولاً به اصرار و خواست خانواده‌های آنها و به خصوص با اجازه ولی قهری آنان صورت می‌گیرد که از مصادیق سوءاستفاده جنسی از کودکان نیز به شمار می‌رود.

کودک آزاری جسمی: در قدیم چنین می‌پنداشتند که کودکان به والدین شان تعلق دارند و آنان حق دارند هر وقت که بخواهند کودکان خود را مجازات کند و مورد خشونت جسمی قرار دهند. این نوع خشونت شامل هر نوع بدرفتاری می‌باشد که پیامد آن آسیب رساندن به جسم کودک مانند ضرب و شتم، آزار و شکنجه جسمانی است. معتاد کردن فرزندان به مواد افیونی، فرو کردن سوزن در بدن کودک، تجاوز جنسی، غذا ندادن و گرسنه نگه داشتن کودک، استثمار کودک برای به کار گماردن در کارهای سخت و زیان آور، محرومیت‌های آموزشی، پرورشی و درمانی، داغ کردن و سوزاندن، زندانی کردن کودک در اتاق بدون نور، وادار کردن کودک به خودفروشی، اجاره دادن و اجاره کردن کودک، از اشکال دیگر کودک آزاری جسمی و روحی به شمار می‌رود.

اختلال شخصیت ضد اجتماعی یا جامعه ستیز

Anti Social Personality Disorder

(مرجان ادیسی - کارشناس روانشناسی)

رایج ترین استراتژی برای آموزش والدین است که در آن به والدین آموزش داده میشود رفتارهای مشکل زای کودکان خود را به سرعت متوجه شوند.

اختلال شخصیت ضد اجتماعی، معروف ترین اختلال شخصیت و اختلالی است که بیش از همه مورد بررسی قرار گرفته است (سلیگمن، ۱۳۷۹). این اختلال بابت اعتنایی به اخلاق و قانون مشخص می شود.

ویژگی اصلی اختلال شخصیت ضد اجتماعی عدم رعایت حقوق دیگران و احترام نگذاشتن به آنهاست. این ویژگی در کودکی آغاز می شود و در بزرگسالی ادامه می یابد. رفتار افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی خارج از استانداردهای اجتماعی رفتار، اخلاق و وجدان است و با رفتار جنایی در بزرگسالی ارتباط مستقیم دارد.

بعضی روان شناسان بالینی در اختلال شخصیت ضد اجتماعی دو نوع صفت را مشخص کرده اند. اولین صفت، بی تفاوتی، بی احساسی و خودخواهی است. دومین صفت سبک زندگی خاص است که به علت فکر نکردن قبل از عمل کردن و پر خاشگری به وجود می آید. (گنجی ۱۳۹۴)

ویژگی های افراد مبتلا به این اختلال شخصیت عبارتند از:

- ۱- فقدان ندامت یا شرم از صدمه زدن به دیگران
- ۲- فقدان احساس مسئولیت نسبت به دیگران
- ۳- فقدان پاسخ دهی هیجانی به دیگران
- ۴- تکانشگری در رفتار عجیب و غریب و ناخوشایند



۸- اشتغال ذهنی آنها باعث ناراحتی و اختلال شدیدی در عملکرد می شود
۹- علائم مزبور ناشی از یک بیماری یا مصرف مواد نباشد

سبب شناسی اختلال شخصیت ضد اجتماعی افراد مبتلا به این اختلال نارسایی هایی در قطعه های پیش پیشانی مغز خود دارند. این افراد همچنین به عوامل استرس زای اجتماعی پاسخ خود مختار ضعیفی نشان می دهند. در بروز رفتار ضد اجتماعی به هنگام نوجوانی، محیط و در بروز رفتارهای ضد اجتماعی در بزرگسالی، وراثت نقش بیشتر دارد. (هالجنین ۱۳۸۹) شواهد نشان دهنده تاثیر عوامل ژنتیکی در ایجاد اختلال شخصیت ضد اجتماعی می باشد.

طلاق یا مرگ والدین در کودکی با جامعه ستیزی رابطه دارد. با این حال اغلب روان شناسان عقیده دارند که آنچه موجب جامعه ستیزی می شود محرومیت از والدین نیست بلکه جو عاطفی ناشی از مشاجرات، کتک کاری ها و خشونت های والدین و الکی بودن پدر است (سلیگمن ۱۳۷۹)

همه گیر شناسی اختلال شخصیت ضد اجتماعی شیوع اختلال ۲ تا ۳ درصد است و در مردان ۴ برابر زنان است (آزاد ۱۳۷۴) مشکلات افراد مبتلا به این اختلال در کودکی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه می یابند. بالاترین نرخ شیوع اختلال شخصیت ضد اجتماعی در مردانی مشاهده می شود که اختلال مصرف الکل دارند.

درمان اختلال شخصیت ضد اجتماعی اکثر روان شناسان بالینی در مورد موثر واقع شدن روان درمانی افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی بدبین هستند و تعداد مواردی که روان درمانی با موفقیت همراه بوده باشد بسیار انگشت شمار است.

رایج ترین استراتژی برای درمان کودکان آموزش والدین است که در آن به والدین آموزش داده می شود رفتارهای مشکل زای کودکان خود را به سرعت متوجه شوند و چگونه از تعریف و تمجید و جوایز مختلف استفاده کنند تا از رفتارهای مشکل زا بکاهند و رفتارهای مطلوب و جامعه پسند را تشویق کنند. پژوهش های جدید نشان می دهد این اختلال قابل درمان نیست. موثرترین مداخله ها آنهایی هستند که کمتر بر پرورش همدلی و وجدان اصرار دارند. درمان موثر باید افراد را متقاعد سازد که خودشان مسئول رفتار خود هستند (گنجی ۱۳۹۴)

روان درمانی و دارودرمانی که شامل ریتالین، واپروات سدیم و کاربامازپین است نیز می تواند مفید باشد.

اختلال شخصیت نمایشی
Histrionic Personality Disorder

(مرجان ادیسی - کارشناس ارشد روانشناسی)

حدود دو سوم افراد مبتلا به اختلال شخصیت نمایشی معیارهای اختلال شخصیت ضد اجتماعی را دارند. این اختلال در مردان دیده می شود ولی رایج تر است.

اصطلاح نمایشی یعنی هنر پیشه افراد مبتلا به این اختلال دوست دارند خودشان را به صورت بسیار شور انگیز و دراماتیک ابراز کنند. آنها از کانون توجه بودن لذت برده و به ظاهرشان بیش از حد توجه داشته و عشوهر گر هستند و هدف عشوهرگری آنها جلب توجه است نه تمایلات جنسی.

آنها به دنبال تحسین و تایید دیگران بوده و در صورت بدست نیامدن آن عصبانی می شوند. آنها با کوچکترین عمل محرک، به صورت افراطی واکنش نشان داده مثلاً گریه و غش می کنند. با اینکه روابط آنها سطحی است آشنایان خود را دوستان عزیز خطاب می کنند. آنها به راحتی تحت تاثیر دیگران قرار گرفته و از بینش تحلیلی بی بهره اند.

این افراد معمولاً رویدادها را به صورت سیاه یا سفید می بینند و سایه های خاکستری را مدنظر قرار نمی دهند. گفتار آنها معمولاً مبهم است، کلی گویی می کنند و جزئیات را ارائه نمی دهند و زیاد اغراق می کنند.

افراد مبتلا به این اختلال، خواهان جلب توجه دیگران نسبت به خود هستند. این افراد هیجانی و تحریک پذیرند و در اغوا کردن دیگران، نقش بازی کردن و ریاکاری ماهرند (آزاد ۱۳۷۹)

ملاک تشخیص اختلال شخصیت نمایشی

۱- دچار هیجان خواهی و توجه خواهی افراطی هستند

۲- وقتی کانون توجه نیستند ناراحت می شوند

۳- تعامل های آنها با وسوسه جنسی نامناسب یا رفتار تحریک آمیز مشخص می شوند

۴- ابراز هیجانهای آنها به سرعت تغییر می کند و سطحی است

۵- برای جلب توجه کردن از ظاهر بدنی استفاده می کنند

۶- گفتار آنها شدیداً عکس و فاقد جزئیات است

۷- آنها خودنما و نمایشی هستند و در ابراز هیجان مبالغه می کنند.

۸- بسیار تلقین پذیر هستند.

۹- روابط را صمیمانه تر از آنچه واقعا هست تعبیر می کنند

۱۰- اشتغال ذهنی آنها باعث ناراحتی و اختلال شدیدی در عملکرد می شود

۱۱- علائم مزبور ناشی از یک بیماری یا مصرف مواد نباشد

سبب شناسی اختلال شخصیت نمایشی

تحقیقات نشان می دهند که حدود دو سوم افراد مبتلا به اختلال شخصیت

نمایشی معیارهای اختلال شخصیت ضد اجتماعی را نیز دارند. افراد مبتلا، از فرض های اشتباه در برخوردشان با زندگی رنج می برند. یکی از عقاید اصلی فرد مبتلا به این اختلال این است که (من بی کفایتی و نمی توانم خودم از پس زندگی ام بر بیایم) این عقیده باعث می شود که آنها فرض کنند لازم است کسی دیگری را بیابند که این کاستی را جبران کند (هالجنین ۱۳۸۹)

همه گیر شناسی اختلال شخصیت نمایشی

این اختلال در زنان رایج تر است ولی در مردان نیز دیده می شود از این رو ماچوئیسم نامیده می شود. (سلیگمن ۱۳۷۹)

شیوع این اختلال حدود ۲ تا ۳ درصد است. افراد دچار این بیماری از احساس های واقعی خود بی خبرند و تحت استرس، واقعیت سنجی آن ها به آسانی در هم می شکند (کاپلان ۱۳۸۹)

درمان اختلال شخصیت نمایشی مسئله گشایی، آموزش راهبردی کنترل شخصی و مهارت های جسارت (هالجنین ۱۳۸۹)

روان درمان مبتنی بر روانکاو و دارو درمانی هم مفید است (کاپلان ۱۳۸۹) بعضی روان شناسان تلاش کرده اند رفتار جلب توجه کردن را تغییر دهند. برای این کار به رفتارهای صحیح آنها با دیگران پاداش می دهند (تقویت)

و رفتارهای جلب توجه را تنبیه می کنند. بخش بزرگی از پروسه های روان درمانی این افراد معمولاً روی روابط میان فردی مشکل زا متمرکز می شود (گنجی ۱۳۹۴)

اختلالات سازگاری در نوجوانان

عوامل مؤثر در پیدایش اختلالات عملی

وروانی و ناسازگاری در کودکان

۱- عوامل پزشکی

اختلالات روانی ممکن است به علت احساس محرومیت و واژدگی یا به علت جسمی مانند نقص یکی از حواس پنجگانه باشد. مثلاً اختلالات بینایی و شنوایی تا موقعی که به وجود آن پی نبرده اند ممکن است مسائل ناراحت کننده ای ایجاد کند، بخصوص اگر والدین نسبت به اشتباه های ناشی از نقص عضو سختگیر باشند. کم هوشی و اختلالات مغز نیز موجب می شود که کودک نتواند آنچه را پدر و مادر از وی انتظار دارند یاد بگیرد. ناتوانی های جسمانی به علت محدود کردن دامنه ی فعالیت کودک در رسیدن به هدف باعث سوق دادن او به طرف ناسازگاری می شود. پسری که نمی تواند مانند سایرین در بازی ها شرکت کند یا دختر بزرگی که قادر به جلب توجه دیگران یا احیاناً رقابت با سایر دختران نیست، به علت شکست و ناکامی های پی در پی خواه و ناخواه ناسازگاری پیشه می کند. از نظر بیولوژیکی در بعضی از کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلالات رفتاری، بالا بودن سروتونین خون و پایین بودن سطح متابولیک سروتونین در مایع مغزی نخاعی و در برخی کمبود آنزیمی در پلاسمای خون که دوپامین را به نورآدرنالین تبدیل می کند، دلیل بی قراری و پرخاشگری و تهاجم گزارش کرده اند. واقعیت این است که هنوز نتوانسته ایم ارتباطی بین یک عامل بیولوژیکی و اختلالات رفتاری بدهیم، اگرچه بعضی مزاج های ذاتی نوجوانان را دخیل می دانند که کودک را مستعد برای اختلالات رفتاری می کند، ولی باید گفت نقش عوامل ویژه

بیولوژیکی هم چنان در ابهام باقی می ماند

۲- عوامل تربیتی و اختلالات عاطفی و هیجانی

این دسته شامل شایع ترین علل اختلالات کودکان است. با توجه به نظریات روانکاوان، رفتار گرایان و سایر نظریه های روان شناسی، چگونگی رابطه ی کودک با اعضای خانواده و بخصوص مادر در سال های اول زندگی از اساسی ترین عوامل رشد شخصیت شناخته شده است. هر گاه اختلالی در این روابط عاطفی ایجاد شود بالطبع امنیت عاطفی کودک مختل می شود که آثار آن در رفتار کودک منعکس می گردد. وقایع ترسناک و دردناک و حوادث ناگوار خانوادگی غالباً موجب اختلالات عاطفی و هیجانی کودک می شوند. کودکان در میزان آسیب پذیری نسبت به حوادث ناگوار متفاوتند و این تفاوت به علت اختلاف در سرشت، خلق و خوی، رشد عاطفی و میزان پختگی آنها است. عوامل مختلف ممکن است بر میزان احساس امنیت کودک تأثیر گذار باشند. بر خوردهای پدر و مادر با کودک، وضع بهداشت روانی و جسمانی آنان، شرایط اقتصادی و اجتماعی خانواده همه اهمیت اساسی دارند. مثلاً اگر مادری به علت زایمان دچار افسردگی شود کودک نیز ممکن است به نوبه ی خود دچار افسردگی شده و از خوردن غذا امتناع کند و به راحتی نخوابد. محیط خانودگی در هم و مغشوش برای کودک زیان آور است. اگر کانون خانواده به علت درگیری و جدال، خشونت، فحش و مشاجره بین پدر و مادر یا طلاق و غیبت آنان ناامن باشد، مطمئناً کودک حق دارد فکر کند دنیای خارج ناامن و پرخطر است.



رفتارهای غیر اجتماعی و غیر اخلاقی والدین مانند می خوری، ولگردی، قمار و اعتیاد بهترین زمینه برای ناسازگاری اجتماعی و جرایم کودکان به شمار می رود.

در فرزندان نامشروع که مورد محبت و لطف والدین نبوده اند سازگاری به نحو مطلوب صورت نمی گیرد. در کشور ما نیز از دواج های پی در پی و پیشرس، کمبود یا فقدان تجربه و آمادگی برای قبول مسئولیت زندگی، تعداد فرزندان، فقر و نادانی والدین، فقدان وسایل بهداشتی و کمبودهای مالی علل عمده ی ناسازگاری به شمار می روند. قطع ارتباط با مادر بسیار مهم است، بخصوص اگر عواطف شخص دیگری جانشین آن نشود. اگر چه خانواده های از هم گسسته و فاقد سازمان، والدین دستگیر شده و زندانی و یا سهل انگاری و ناهماهنگی در مسائل انضباطی، فرزندان بزهکار پرورش می دهند، اگر چه روانکاوان تقریباً کلیه مشکلات شدید کودکان را ناشی از ارتباط منفی اولیه بین مادر و کودک می دانند، ولی باید گفت که تأثیر والدین بر کودکان یک امر ساده ای نیست و کودکان بزهکار همانطوری که از والدین تأثیر می پذیرند بر آنها نیز تأثیر می گذارند و اثرات دو جانبه است.

۳- عوامل ارثی

ارث در میزان آسیب پذیری کودک تأثیر دارد. کودک پاره ای از خصایص والدین را به ارث می برد و مسلماً این استعداد را خواهد داشت که روزی مانند والدین خود به اختلالات رفتاری مبتلا شود. مسلم است که ما رفتار و اعمال بزهکارانه را به ارث نمی بریم

و آنچه به ارث می بریم ساختمان بدنی، مزاج و گرایش به اجرای عمل در راهی خاص و آمادگی شخصی برای رفتار بزهکارانه است. این آمادگی سرشتی بر اثر برخورد با عوامل محیطی نامناسب بارز و ظاهر می گردند و در این مرحله است که آثار متقابل و مکمل عواملی مانند نیروهای بیولوژیکی، نوروشیمی، اجتماعی در ناسازگاری مشخص می گردد.

۴- عوامل محیطی و اجتماعی

تغییرات بزرگ و سریع اجتماعی مانند بیکاری، جنگ، از هم پاشیدگی کانون خانواده، فقر و گرسنگی، اعتیاد، تماس دائمی با معیارهای اخلاقی و فرهنگی مغایر با معیارهای خانوادگی احتمالاً به ناسازگاری های کودک و نوجوان می انجامد و افراد سالم و سازگار

پرورش دهد، مسلماً این توانایی را خواهد داشت که درد و ناراحتی تولید کند یا افراد ناسازگار و مجرم پرورش دهد. علت گسترش روز افزون ناسازگاری های کودکان و نوجوانان را در سال های اخیر کاهش و انحطاط ارزش های اخلاقی، تغییرات سریع اجتماعی، پیچیدگی های بسیار شدید و غیر قابل درک زندگی، از هم گسستن خانواده ها، استفاده از مواد مخدر و الکل و نظایر آن می دانند. نقش مدرسه در اختلالات رفتاری از اهمیت خاصی برخوردار است، بخصوص اینکه کودک با مشکلات عدیده ای به مدرسه وارد شود و فاقد مهارت های لازم باشد. رفتار نادرست آموزگاران، توقعات خارج از توانایی های نوجوان، دیسپلین و انضباط های سخت و شدید هر کدام ممکن است سهمی داشته و با عوامل

قبلی مشترکاً نوجوان را به رفتارهای نادرست سوق دهد.

صرف نظر از محیط خانواده، مدرسه و اجتماع، یکی از عوامل مهم اجتماعی آثار وسایل ارتباط جمعی است. سینما، تلویزیون، رادیو، تئاتر، اینترنت و مطبوعات هر کدام سهم بسزایی در ناسازگاری و رفتارهای غیر اجتماعی و حتی ارتکاب جرم دارند. رسانه های همگانی از جمله سینما و تئاتر، تلویزیون و کتاب ها و نشریات مختلف اگر به درستی هدایت و برنامه ریزی نشوند و اداره ی آنها در اختیار سودجویان باشد، به مراتب آثار مخربی بر روح و اندیشه نوجوان باقی می گذارند و جامعه را به سوی تباهی و گمراهی سوق می دهند.

اهمیت نظریه دلبستگی

(مبنا عشرتی - کارشناس روانشناسی عمومی)

با توجه به این که سبک‌های دلبستگی زندگی آینده فرد را رقم می‌زند و در مواردی مانند روابط بین فردی، روابط درون فردی (خودپنداره)، مهارت‌های اجتماعی، مقابله تنیدگی‌ها، سازگاری زناشویی، اضطراب و تجارب اضطرابی و برخی موارد دیگر مداخله کرده و تأثیر می‌گذارد؛ اهمیت مسأله به طور کلی روشن می‌گردد که به چند مورد پرداخته شده است:

*کنش متقابل و رابطه عاطفی بین مادر و نوزاد، به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل داده و نحوه

برخورد مادر با کودک در چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی فرزند تأثیر می‌گذارد؛ پژوهش‌ها به این امر اشاره دارند که اگر شیوه فرزند پروری مادر در چند ماه اول زندگی به صورتی باشد که فرزندش را به صورت «دلبسته ایمن» پرورش دهد، بسیاری از مشکلاتی که افراد در بزرگسالی مانند ناسازگاری زناشویی، طلاق، برقراری ارتباط با دیگران، عقب‌افتادگی تحصیلی تجربه می‌کنند نخواهند داشت (ماسن و همکاران ترجمه یاسایی، ۱۳۸۰).

* افرادی که از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند، دارای هوش هیجانی بالایی بوده و می‌توانند به مدیریت هیجان‌ها پرداخته و به تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی دست زده و توان مقابله با تنیدگی‌ها را به طور اثربخش داشته باشند. بالبی با الهام از دیدگاه‌های زیست‌شناختی، کردار شناختی، روان‌شناسی رشد، علم شناخت و سیستم‌های کنترلی موضوع جدیدی را مطرح نمود. بالبی همه این رشته‌ها را درهم آمیخت و یک نظریه جدید ساخت. به اعتقاد گلن، بهره هوش سنتی یا IQ

می‌تواند فقط ۲۰ درصد از موفقیت فرد را مشخص کند و ۸۰ درصد مابقی از هوش هیجانی یا EQ است (گلن، ترجمه پارسا، ۱۳۸۰).

* در رابطه ذاتی میان رفتار دلبستگی و تنیدگی، دلبستگی ایمن به عنوان یک عامل محافظت‌کننده اساسی که منجر به ارزیابی مثبت و راهبردهای مقابله‌ای سازنده می‌شود در نظر گرفته شده است. برعکس، دلبستگی نایمن به عنوان یک عامل خطر ساز بنیادین در نظر گرفته شده است که منجر به ارزیابی منفی در راهبردهای مقابله‌ای کمتر مفید و سازنده می‌شود (به نقل از هادی نژاد، ۱۳۸۲).

* با توجه به اهمیت آموزش و پرورش در زندگی افراد ضروری است که متولیان امر تدابیری اتخاذ کنند که اولاً اولیاء دانش‌آموزان در جریان شیوه‌های فرزند پروری به صورت دلبسته ایمن قرار بگیرند و ثانیاً خود دانش‌آموزان را از نظر هوش هیجانی پرورش دهند، دانش‌آموزان در رسیدن به اهداف خود در زندگی پیشرفت کرده و توانایی مواجهه با مخاطرات زندگی و توانایی تصمیم‌گیری اثر بخش را کسب کرده و حتی اختلالات رفتاری آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

علائم دلبستگی

علائم دلبستگی کودک به پرستارش در سه پدیده معتبر مشهود است:

* یک تکیه‌گاه بهتر از هر کس دیگری می‌تواند کودک را آرام کند.

* کودکان برای بازی یا حرف زدن بیشتر از هر کس دیگری به سراغ تکیه‌گاهشان می‌روند.

* کودکان در حضور تکیه‌گاه کمتر احساس ترس می‌کنند تا در غیاب او

هنگامی که کودک در دنیای اطرافش به کاوش می‌پردازد و با امور غیرقابل پیش‌بینی روبرو می‌شود، حضور شخص دلبسته، به او احساس امنیت و آرامش می‌دهد. هنگامی که کودک در وضعیتی قرار می‌گیرد که موجب ترس وی می‌شود، رفتار توأم با دلبستگی کودک آشکار می‌گردد. ممکن است در حضور والدین، آن‌ها را نادیده بگیرد و حتی ترجیح دهد که با افراد غریبه بازی کند ولی وقتی که احساس عدم اعتماد یا تهدید می‌کند به سرعت به سوی مادر، پدر یا هر کس دیگری که به او دلبستگی دارد روی می‌آورد. کودکان اغلب برای کسب اطمینان از خطرناک یا ایمن بودن وضعیتشان به اشخاصی که به آن‌ها دلبستگی دارند نگاه می‌کنند. بنابراین موارد مذکور را می‌توان علائم دلبستگی در کودک در نظر گرفت که اگر این علائم در کودکی مشاهده نشد، نشان دهنده وجود مشکلی در دلبستگی اوست.

دلبستگی در بزرگسالی

بالبی در نظریه دلبستگی خود به فرضیه فروید اشاره می‌کند که رابطه نوزاد- والد نمونه‌ای نخستین برای روابط عاشقانه بعدی در بزرگسالی است (بالبی ۱۹۵۸، فروید ۵۳-۱۹۴۹). بالبی معتقد است دلبستگی در رابطه والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تأثیر بگذارد. دلبستگی در روابط به طور ارادی و داوطلبانه و یا به طور کامل قطع نمی‌شود و هر گونه خللی در یک رابطه دلبستگی دردناک است و موجب سوگواری در فرد می‌گردد (بالبی ۱۹۶۹، فروید ۱۹۴۹، اینسورت ۱۹۹۱).

براساس این فرضیات، امنیت را می‌توان به عنوان هسته نظام دلبستگی در روابط دلبستگی بزرگسالی توصیف نمود، که عبارت است از یک رابطه امن با فردی که به او احساس دلبستگی می‌کنیم و به ما پاسخ می‌دهد و موجب اعتماد به نفس در ما می‌شود. (اینسورت ۱۹۹۱).

بالبی و اینسورت معتقدند که کیفیت و الگوی دلبستگی در روابط عاشقانه بزرگسالی ممکن است شبیه الگوی دلبستگی فرد در رابطه با والدش باشد. از این روی دلبستگی‌های دوران کودکی شخص بر روابط عاشقانه بزرگسالی‌اش تأثیر می‌گذارد.

بنابراین تداوم الگوهای اولیه در دوره‌های بعدی به دو روش تبیین گردد؛ اول اینکه انتظار می‌رود یک رابطه با ثبات بین کودک و مراقب بوجود بیاید که تا بزرگسالی ثابت باقی می‌ماند. دوم اینکه رشد مدل‌های ذهنی یا ابزار دلبستگی که خارج از آگاهی فرد اتفاق می‌افتد می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های عاشقانه بعدی راهنمایی و هدایت نماید.

در واقع یک رابطه دلبسته ایمن می‌تواند عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل کند. همه‌ی ما در جستجوی کسب امنیت و راحتی در رابطه با همسرمان هستیم. اگر فرد چنین امنیت و راحتی را به دست آورد می‌تواند در مسیر امنی که توسط همسر فراهم گردیده گام بردارد و مطمئن شود که می‌تواند در سایر فعالیت‌ها نیز موفق شود. مهم‌ترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است. به طوری که فرد، دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نکند.



نگاهی نوبه مفهوم توسعه پایدار در هزاره سوم

ضرورت بازنگری به مدل زندگی بشر مدرن

(مهر داد ناظری - جامعه‌شناس و استاد دانشگاه)

این روزها بشر بیشتر از هر زمانی سقوط را تجربه می‌کند. سقوط‌هایی که گاهی پیامدهای سنگینی را به همراه دارد. گاهی به این موضوع فکر می‌کنیم که چرا تا این حد در زندگی با درد و رنج و مرارت مواجه می‌شویم و حالا این اواخر که کرونا بر جان انسان‌ها سایه افکنده زندگی معمول و مرسوم بشر در فازی سخت و دشواری بیشتری قرار گرفته است. اما واقعیت این است که اگر از زاویه‌ای متفاوت به رابطه انسان و طبیعت بنگریم، شاید بتوان توجیهات و دلایل محکمی برای این وضعیت در زندگی بشر پیدا کرد. در واقع از زمانی که انسان توانست با تکنولوژی بر روح طبیعت غلبه کند، مرتباً فجایع زیست محیطی را در زندگی خود تجربه کرده است. در واقع ما می‌خواستیم قهرمان حاکم و غلبه بر محیط زیست و منابع طبیعی شویم اما در عمل منطق حاکم بر طبیعت مسیر زندگی انسان را تغییر داد. در حال حاضر یکی از موضوعات مهم این است که اگر چه انسان توانسته قطارهای سریع‌السیر بسازد، برج‌ها و اتوبان را ایجاد کرده و در مرحله هوشمندسازی به ابداع و اختراع ربات‌ها روی آورده است؛ اما در عمل همچنان محیط زیست در معرض اشکال گوناگونی از تخریب‌ها و انفجارهای انسانی قرار دارد. هر چند که بسیاری از محیط‌زیستی‌ها و معتقدین به توسعه بر این موضوع تأکید کرده‌اند که راه پیشرفت بشر از مسیر

تخریب محیط زیست عبور نمی‌کند؛ اما همچنان گزارش‌ها حاکی از این است که تخریب گسترده محیط زیست در دستور کار انسان‌ها قرار دارد. بر این مبنا همواره به مفهوم توسعه پایدار در برابر این ضربات مهلک، بازگشت شده است. گفتمان توسعه پایدار به این موضوع فکر می‌کند که هیچ حرکت یا پیشرفتی بدون توجه به منابع طبیعی و اکوسیستم امکان‌پذیر نیست. در واقع مانمی‌توانیم زندگی خود را با تضعیف یکپارچگی سیستم طبیعی به دست آوریم. توسعه پایدار به ما می‌گوید که هر اقدام یا کنشی که امروز انجام می‌دهیم، نباید توانایی‌های نسل‌های آینده را به مخاطره بیفکند. در واقع رفاه امروز بخش‌قلیلی از مردم جهان نیست. پیامدی برای کره زمین و همه مردم جهان داشته‌باشد. پل مک‌کارتنی می‌گوید: «باید راهی برای بهتر ساختن چیزهای مورد نظرمان پیدا کنیم. اما راهی که آسمان یا باران یا زمین را با تخریب مواجه نسازد». این نکته بسیار مهمی است. توسعه پایدار بدون توجه به آینده، هیچ رشدی را در دنیای امروز مهیا نمی‌سازد. مانمی‌توانیم امروز کارخانه‌های عظیم ایجاد کنیم و همه مواد زائد آن را در آب‌های آزاد بریزیم و امیدوار باشیم که این کارخانه می‌تواند راهی به سوی مطلوبیت برای مردم آن منطقه ایجاد کند. هر نوع آلودگی که توسط انسان تولید می‌شود اساساً ضد توسعه و به نوعی باعث کوتاه‌تر شدن عمر

شد تا زمانی که این مسائل حل نشود. هیچ توسعه‌ای به وقوع نخواهد پیوست. هر چند سال‌ها از برگزاری این کنفرانس می‌گذرد، اما هنوز نکات اصلی مطرح شده در این کنفرانس چالش مهم زندگی انسانی به حساب می‌آید. این رند معتقد است: «تفاوت حیوانات و انسان‌ها در این است که حیوانات خود را برای محیط تغییر می‌دهند، اما انسان‌ها محیط را برای خود تغییر می‌دهند. این تفاوت بسیار مهم است چرا که وقتی ما خودمان را با محیط تطبیق ندهیم ممکن است در ارتباط با طبیعت دچار غرور و سرگشتگی شویم. آن‌چه از پیشرفت و رفاه برای انسان به ارمان آمده همین قرار گرفتن در قله موفقیت و بی‌توجهی به ساحت طبیعت است. شاید زمان آن رسیده که این موضوع را آموزش ببینیم که طبیعت و منطق حاکم بر آن قابل تغییر نیست و اساس مهرورزی بشر باید بر این اصل استوار باشد که زمین را همان‌گونه که است دوست بدارد نه آن‌گونه که مطلوب و مورد نظر ماست. یکی از اشکالاتی که در مباحث سودآوری شرکت‌ها وجود دارد این است که در این شرکت‌ها کمتر به میزان هزینه‌ای که بر طبیعت تحمیل می‌شود، مورد احتساب قرار می‌گیرد. مثلاً اگر قرار است یک شهرک ویلایی در شمال ایران ایجاد شود وقتی که گزارش مالی مبنی بر سودهای اقتصادی بیرون می‌آید، هیچ‌کس تعداد درخت‌های بریده شده و میزان هزینه این موضوع را به لحاظ زیست محیطی به حساب نمی‌آورد و پولی بابت این موضوع از خریداران درخت‌ها دریافت نمی‌شود. همین مسأله باعث می‌شود که به نظر بیاید که ساخت شهرک‌ها و ویلاها در یک منطقه، دارای سود هنگفتی است و مدیران را بر این موضوع معطوف می‌دارد که درخت‌های بیشتری را بریده و ویلاسازی‌های بیشتری را انجام دهند. در حالی که در اینجا هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و طبیعت تحمیل می‌شود. در واقع و به تعبیر ساده تر مردم در خصوص آلودگی‌ها و خساراتی که به محیط زیست

وارد می‌کنند هیچ هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند. لذا با این اوصاف وقتی که ما به طبیعت و نسل‌های آینده فکر نمی‌کنیم این فراموشی ما را در حلقه سقوط قرار می‌دهد. حال در اینجا باید پرسید انسان هر انتخابی را می‌تواند در زندگی خود انجام دهد؟ در بحث اقتصاد تجاری ممکن است آزادی انتخاب یک اولویت باشد. اما در توسعه هر انتخابی که جهان را به لبه پرتگاه سقوط نزدیک کند، ضد زندگی به حساب می‌آید. بر این مبنا منطقی نیست که انسان به‌طور هنرمندانه همه چیز را به سمت فروپاشی و سقوط سوق دهد. ما باید به مادر خود یعنی طبیعت احترام بگذاریم و این را بدانیم که هنر انسانی زیستن در عشق به مادر است نه نابودی آن. در حال حاضر بحران‌های زیست محیطی باعث گسترش بلایای طبیعی، ایجاد شرایط نابسامان اقتصادی، افزایش بحران‌های حاد محیط زیستی و عدم دسترسی به منابع طبیعی آب شده است. **اگر بخواهیم مدرن زندگی کنیم باید هنر زیبا فکر کردن نسبت به طبیعت را در خود تقویت کنیم و این نیاز به جهان‌بینی جدیدی دارد.** جهان‌بینی که تصویری متفاوت از واقعیت‌های اجتماعی به ما می‌دهد. زمین، دریا، خشکی، آسمان حیوانات گیاهان و انسان‌ها اجزای به هم پیوسته زندگی هستند به طوری که هیچ‌یک را نمی‌شود نادیده گرفت. هر فردی در هر نقطه‌ای که زندگی می‌کند او نقطه‌ای است که بر جهان اطراف خود تأثیر می‌گذارد. در اینجا نیاز به ایجاد عقلانیتی جدید است. عقلانیتی که کاربست آن انسان را به سوی عشق به طبیعت و سایر اجزای آن می‌کند. زندگی طبیعت‌گرایانه به ما می‌آموزد که از همه مواهب طبیعت می‌شود استفاده کرد اما باید در همه چیز صرفه‌جویی کرد. باید ابتکار زندگی انسانی و پویا را در رابطه دیالکتیکی بین انسان و طبیعت تعریف کنیم. این یعنی بر طرف‌سازی اختلال عمیقی که در ساحت انسان مدرن منهای طبیعت وجود دارد. ما باید اختلال‌هایمان را بشناسیم و

با عبور از عقلانیت ابزاری راهی به سوی مطلوبیت پیدا کنیم. ارن نائس فیلسوف نروژی عنوان بوم‌شناسی عمقی را در اثر خود به کار گرفته و معتقد است هدف از بوم‌شناسی عمقی تأکید بر روی موارد زیر است:

۱- لازم است جریان‌های محیطی از انسان محوری به زیست‌محوری تغییر جهت دهد زیرا تخریب محیط زیست، نتیجه باور به فلسفه‌های غربی است که در آن، انسان و فعالیت‌های او، محور عالم کائنات شناخته می‌شود.

۲- رعایت سنت‌های اخلاقی و مذهبی شرق، می‌تواند مادر حفاظت بوم‌شناسانه یاری دهد.

۳- حفاظت حیات وحش و منابع محیطی باید در اولویت قرار گیرد.

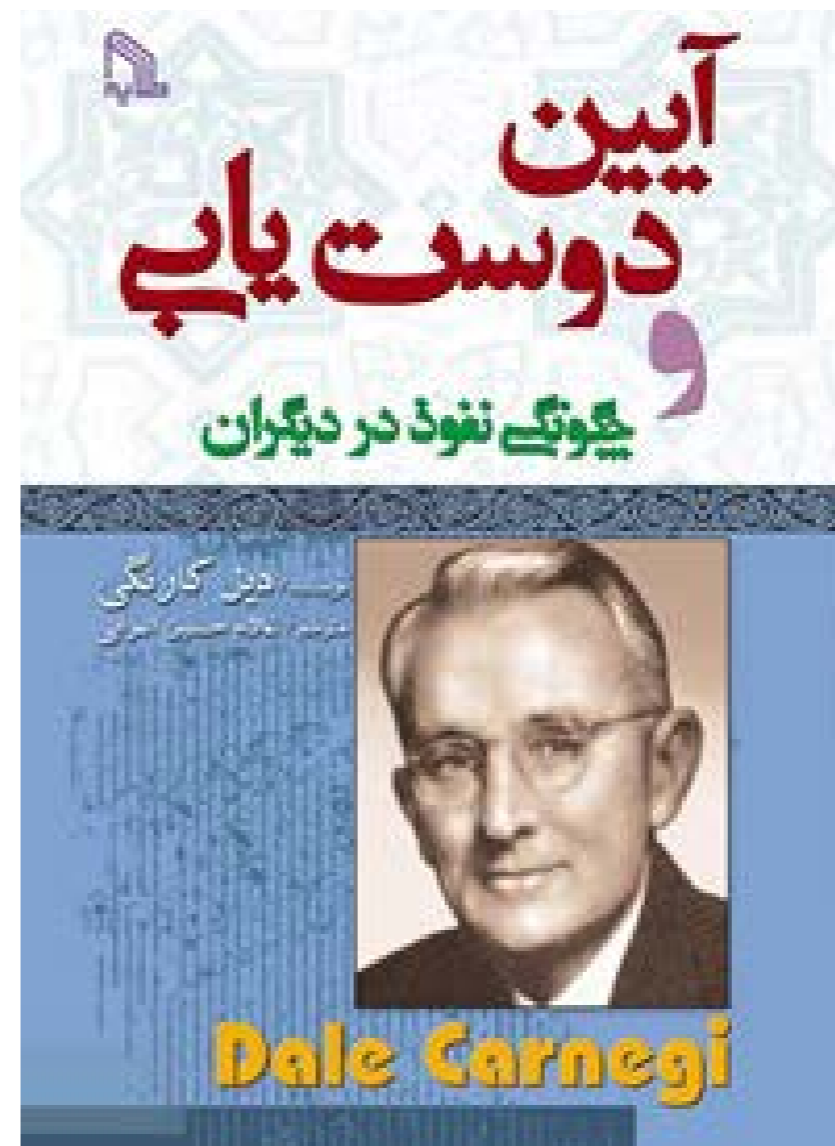
۴- تأکید بر روی مساوات طلبی، زیست‌محوری، بدین‌سان که همه موجودات زنده دارای ارزش معنوی برابری می‌باشند. در جهان هستی همه موجودات زنده، جهت زندگی، رشد و شکوفایی، باید از حقوق و ارزش‌های برابر برخوردار گردند.

۵- هیچ فردی، نجات نمی‌یابد مگر این که همه ما نجات یابیم. در اینجا، (فرد) تنها من و شما نیست بلکه فرد، شامل همه انسان‌ها، همه اکوسیستم‌ها، همه رودها و همه جنگل‌ها است.

۶- انسان از اجزای طبیعت می‌باشد نه بیرون از آن یا فوق طبیعت. بهره‌گیری از طبیعت، باید تنها برای تأمین نیازهای ضروری انسان صورت گیرد.

در اینجا باید خاطر نشان کرد بر مبنای آن چه نائس می‌گوید، توسعه با معرفتی عمیق و انسانی، طبیعی رشد می‌کند و به نتایج مطلوب می‌رسد. لازم است به این جمله فولر توجه کنیم: «شما هرگز با مبارزه با واقعیت موجود پدیده‌ها را تغییر نمی‌دهید. تلاش کنید، برای تغییر هر پدیده، یک مدل جدید بسازید که مدل موجود را منسوخ کند».

آیین دوست‌یابی و چگونگی نفوذ در دیگران



آیین دوست‌یابی اثر دیل کارنگی با عنوان فرعی چگونگی نفوذ در دیگران، به شما یاد می‌دهد که چگونه می‌توانید دیگران را درک کنید، با آن‌ها کنار بیایید و آن‌ها را به دوست داشتن خود ترغیب کنید. کتاب در مجله‌ی تایمز در سال ۲۰۱۱، رتبه‌ی نوزدهم را از صد کتاب تأثیرگذار قرن به خود اختصاص داد. کتاب با لحنی روان، ساده و قابل فهم نوشته شده، که این امر خواندن کتاب را جذاب و لذت‌بخش می‌کند. ابتدای کتاب با داستان‌ها و روایت‌های کوتاهی از افراد مشهور شروع می‌شود. پیام روایات، انتقاد نکردن از خود و دیگران است. در کتاب بیان شده که ۹۹ درصد افراد از خود انتقاد نمی‌کنند و معمولاً از دید خودشان انسان‌های خوب و عالی هستند، بلکه دیگران را مورد نقد و سرزنش خود قرار می‌دهند. کارنگی در باره‌ی انتقاد می‌گوید: انتقاد عمل خطرناکی است، چون غرور با ارزش فرد انتقاد شونده را جریحه‌دار می‌کند و در نتیجه دل خوری پدید می‌آورد.

قوانینی که در این کتاب مطالعه می‌کنید، صرفاً فرضیه و حدس نیستند. آن‌ها معجزه می‌کنند. پس با دقت مطالب را بخوانید و به آن عمل کنید.

دیل کارنگی با تحقیق در مورد افرادی که در کسب و کار خود موفق بودند، دریافت که روابط عمومی بالا در بخش فروش به داشتن علم بالا ارجحیت دارد. این موضوع باعث شد تا برای نوشتن این کتاب ترغیب شود. او سال‌های زیادی را صرف خواندن کتاب و زندگی‌نامه‌ی افراد مشهور کرد و روی روابط انسانی و رفتار آن‌ها دقیق شد و در نتیجه در سال ۱۹۳۶، کتاب را نوشت که مورد استقبال

فراوان قرار گرفت.

موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی آرزوی قلبی همه‌ی ماست و این آرزو تنها در شکل‌گیری روابط دوستانه است که تحقق می‌یابد. خواندن این کتاب به شما کمک می‌کند تا اعتماد به نفس، نفوذ و تأثیرگذاری

خود را بالا ببرید که این امر باعث افزایش تعامل شما با دیگران می‌شود. مطمئن باشید که با افزایش توانایی‌های خود به هر جایی که دوست داشته باشید، خواهید رسید. امتحان کنید.



شان است و نشانه است بانوی کرم الحق که یگانه است بانوی کرم

گل فروشی‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها در روز مادر دوباره شلوغ می‌شوند. قراره قدردان مهربان‌ترین فرشته‌های زمینی باشیم. می‌دانیم که یک روز برای روز مادر کم است ولی این روز بهانه‌یست برای قدردانی مهر بانوانی که همیشه گذشت سرلوحه زندگی‌شان می‌باشد.

اما کاش یجورایی آروم‌تر تبریک بگیریم. یطوری که دل کسی که مادر نداره نلرزه و خدای نکرده نگیره. در بچه‌های آسمان اگر چه خیلی از بچه‌ها مادر ندارند!! یعنی مادر واقعی ندارند. طعم آغوش پر مهر یک مادر را تجربه نکرده‌اند. اما تعدادی فرشته به اسم مقدس مادر هم هستند که تمام این روزهای سخت را کنارشان زندگی می‌کنند تا خدای نکرده طعم بی

مادر بودن را نفهمند. موسسه خیریه بچه‌های آسمان با تبریک ولادت با سعادت حضرت فاطمه (س) روز مادر را به تمامی مادران فداکار این سرزمین و مادر یارانی که در مراکز نگهداری نقش زیبای مادر را ایفا می‌کنند، شاد باش می‌گوید.



پرداخت آنلاین
از طریق وب سایت بچه های آسمان